

گزارش‌ها

زهر کشوری

دبیر گروه زیست بوم

سوغاتی هرسین اشکت را در می‌آورد. البته خنده مأمور گیت فرودگاه کرمانشاه را هم بلند کرد؛ بعد از آنکه وسایل چند خبرنگار و کارشناس حوزه میراث فرهنگی از زیر دستگاه ایکس‌ری رد شد. ناگهان مأمور با تعجب پرسید: «پیازه؟» در کوله هر کدام، یک عدد پیاز در کنار چندین دانه گردو و ظرف کوچکی از حلوای گردو دیده می‌شد؛ حلوایی که هرسینی‌ها آن را مختص شهر خود می‌دانند و برای ثبت ملی‌اش تلاش می‌کنند. اما بخش یامزه‌تر داستان زمانی رقم خورد که مأمور گیت هم، هرسینی از آب درآمد. یکی از همراهان بی‌دنگ گفت: «باید از همشهری‌های شما پرسید که مگر پیاز هم سوغات می‌شود؟» ما میهمان جشنواره «پیاز و گردو»ی هرسین بودیم. هرسین قطب تولید پیاز قرمز است، و بله، پیاز هم سوغات می‌شود؛ سوغاتی‌ای که البته تنها دلیل برای درآوردن اشک ما در این سفر نیست.

یک جشنواره حسرت

جشنواره گردو و پیاز را ملیحه مهدی‌آبادی، کارشناس عالی میراث فرهنگی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی با کمک جوانان هرسین، که می‌خواهند شهرستان سری در میان شهرها درآورد و گردشگری و میراث فرهنگی رنگی به سفره همشهریان‌شان بدهد، رقم زدند. آنها پیش از آن، دو سال تلاش کردند تا «دار منگوله» را به ثبت ملی برسانند. چناری ۴۵۰ ساله که چيون میوه‌هایش شبیه «منگوله» است، مردم محلی به آن دارمنگوله می‌گویند. درخت را دو سال پیش ثبت ملی کردند؛ درختی که محلی برای رفع و رجوع اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای شهر بوده است. به گفته مهدی‌آبادی، زیر این درخت خیلی از مسائل شهر حل شده

پایان
گزارش

گزارش «ایران» از یک جشن شهری در هرسین به بهانه پیاز و گردو

این سوغات، اشکت را در می‌آورد



برش

هرسینی‌ها، خواستار ثبت ملی «حلوای گردکان» شدند

در حاشیه جشنواره پیاز و گردو در هرسین، بوی دل‌انگیز «حلوای گردکان» (حلوای گردو) که زیر یک چادر عشایری پخته می‌شد، به هوا پیچیده بود. چند مرد هرسینی که ساعت‌ها برای تهیه این شیرینی سنتی زحمت کشیده بودند، پیلپوردی کوچک با مضمون «ثبت ملی حلوای گردو هرسین» کنار چادر نصب کرده بودند. آنان با وجود تلاش زیاد، فرصت نیافته بودند درخواستشان را به گوش مقامات برسانند و به همین دلیل، به سراغ ملیحه مهدی‌آبادی (کارشناس عالی مرمت) و علیرضا قلی‌نژاد (معاون پژوهشگاه میراث فرهنگی) آمدند تا مسیر ثبت را پیگیری کنند. مردان هرسینی توضیح دادند که پخت حلوای گردکان تنها در فصل پاییز و با گردوهای تازه انجام می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در شب یلدا و نوروز دارد. به گفته آنها: «این حلوای فقط در هرسین درست می‌شود»، مهدی‌آبادی در تشریح مراحل ثبت ملی، یادآور شد که ثبت این میراث ناملموس با پر کردن فرم تاریخچه و جایگاه فرهنگی حلوای طریقی اداره میراث فرهنگی کرمانشاه آغاز می‌شود و می‌تواند مانند ثبت درخت (دارمنگوله به نتیجه برسد. معاون پژوهشگاه نیز قول داد که پیگیری‌های لازم برای تسهیل کار ثبت حلوای گردکان انجام شود.

شهر از یک جشنواره چه می‌خواست؟

هرسین یک موزه هم می‌خواهد. مهدی‌آبادی و جوانان شهر دست گذشته‌اند روی یک ساختمان قدیمی شهر که خالی است و جزو اموال مازاد دولت است. می‌خواهند آن را به موزه شهر تبدیل کنند. ساختمان از بناهای مربوط به پیش از پیروزی انقلاب است و بهترین انتخاب برای موزه‌ای که در هرسین نیست؛ موزه برای شهری که ساکنان آن، اولین انسان‌هایی هستند که «بز» را در جهان اهلی کردند. کتیبه داریوش هخامنشی را در شهر دارند، هرچند بسیاری این کتیبه را به نام حمایت شهرداری و فرمانداری ثبت این کتیبه هم کار «مهدی‌آبادی»

است، حتی «خون صلح». آیین خون صلح یکی از سنت‌های کهن و الهام‌گرفته از آموزه‌های دینی و فرهنگی ماست که نقش بسیار مؤثری در پایان دادن به چرخه تلخ اختلافات ایفا می‌کند. ثبت ملی دارمنگوله پایان کار نبود، آغاز معرفی هرسین است؛ شهری که تاریخی کهن دارد. تیمی که دارمنگوله را ثبت کرد، به دنبال ثبت باغ‌های شهر هرسین است. هم ثبت ملی دارمنگوله و هم ثبت جشنواره پیاز و گردو، حمایت شهرداری و فرمانداری هرسین را در پی داشت.

شهر، این جشنواره را هم فرصتی برای رساندن حرف‌هایشان به گوش استاندار می‌دانستند.

شب‌نخوابی‌ها اما جواب نداد. از همان دم فردگاه، چیدمان برنامه به‌گونه‌ای پیش رفت که فرصت شنیدن شهر از دست رفت. همین که هواپیما در فرودگاه کرمانشاه به زمین نشست، محسن فتحی، رئیس فراکسیون گردشگری مجلس شورای اسلامی مسافر خودروی فرماندار، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان شد. استاندار هم با همراهان به جشنواره رسید. مردم پیش از رسیدن مسئولان صندلی‌ها را پر کرده بودند. آنها پس از سال‌ها یک جشن شهری را تجربه می‌کردند. در کنار آن چند سیاه‌چادر هم نصب شده بود تا زنان و مردان هرسینی نان و آش محلی بپزند و به شرکت‌کنندگان بفروشند. اما صدای شهر شنیده نشد. استاندار، استاندار، رئیس فراکسیون گردشگری مجلس، فرماندار و مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه سخنرانی کردند و رفتند. آنها قرار بود حرف‌ها و درخواست‌های مردم هرسین را از زبان مهدی‌آبادی بشنوند. جشنواره سکوت کرد و غم گرفت، آنقدر که مجری برنامه اعلام کرد: «استاندار که رفت، همه چیز را با خودش برد، حتی نظم برنامه را».

مهدی‌آبادی حرف‌هایی را که باید روی سن و جلوی چشم مسئولان شهر و استان می‌زد به روزنامه ایران گفت. او در سخنرانی‌ای که ارائه نشد، مطالبات هرسینی‌ها را ساخت یک موزه برای شهر که تاریخ باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و اقلیم شهر را به نمایش بگذارد، احیا بازگشایی موزه صنعت شهر (اولین کارخانه برق هرسین) و اجرای طرح گردشگری هرسین - بیستون اعلام کرد تا هرسین را از بن بست دریاورد و اقتصاد گردشگری‌اش را رونق بخشد. مهدی‌آبادی، خواستار پیگیری و تأمین اعتبار از سوی استاندار برای شکوفایی اقتصادی هرسین شد. باید که مسئولان استان کرمانشاه و رئیس فراکسیون گردشگری مجلس، حرف او را که خواسته‌های جوانان شهر است در این گزارش بخوانند و کاری برای شهر کنند تا تنها سوغاتی هرسین که اشک مسافرش را در می‌آورد، پیاز سرخش باشد.

● باشد که مسئولان استان و رئیس فراکسیون گردشگری مجلس، حرف مهدی‌آبادی را که خواسته‌های جوانان شهر است در این گزارش بخوانند و کاری برای شهر کنند تا تنها سوغاتی هرسین که اشک مسافرش را در می‌آورد، پیاز سرخش باشد

● باشد که مسئولان استان کرمانشاه و رئیس فراکسیون گردشگری مجلس، حرف او را که خواسته‌های جوانان شهر است در این گزارش بخوانند و کاری برای شهر کنند تا تنها سوغاتی هرسین که اشک مسافرش را در می‌آورد، پیاز سرخش باشد

اولین خشت‌های دست‌ساز

خشت‌هایی که در این سازه‌ها به کار رفته‌اند، از اولین خشت‌های ساخته‌شده به دست انسان به شمار می‌روند. برخلاف خشت‌های منظم و قالب‌گیری‌شده در محوطه‌هایی چون ازبکی، خشت‌های گنج دره شکلی نامنظم و دست‌ساز دارند؛ گل را با دست شکل می‌دادند و بی‌آنکه در قالبی بپزند، در ساخت بنا به کار می‌بردند؛ نشانهای از اولین تجربه‌های معماری بشر. در تپه گنج دره، در روستای قیسوند، یافته‌هایی کشف شده که اهمیت جهانی دارند. اینجا شواهدی از اولین انسان‌هایی که بز را اهلی کردند به دست آمده است؛ گامی بنیادین در مسیر دگرگونی زندگی انسان و شکل‌گیری جوامع دامدار.

رازهای سنگی هخامنشی

در سخره‌های اسحاقوند، مجموعه‌ای از سه گوردخمه منحصر به فرد مربوط به دوران هخامنشی (ما/داسلوکی اختلاف نظر است) قرار دارد. برخی کارشناسان، این آرامگاه‌ها را متنسب به گئومات مغ (بردای دروغین) می‌دانند؛ شخصیتی که نامش در کتیبه بیستون آمده است. در بالای گوردخمه‌ها، یک نقش برجسته پررمز و راز دیده می‌شود که فیردی را در حال نیایش با دستان بالا آمده (حالت قنوت) نشان می‌دهد؛ جلوه‌ای استثنایی از هنر و باورهای آن دوران.

دژی از دوران ساسانی

قلعه هرسین در مرکز شهر، یادگاری کهن از روزگار ساسانیان است که بخش‌هایی از آن احتمالاً به دوران اشکانی نیز می‌رسد. علی‌رغم عدم کاوش نظام‌مند، بقایای دیوارهای باستانی آن هنوز در کنار خیابان قابل مشاهده است. متأسفانه، بخش‌هایی از این قلعه در دوران معاصر تخریب و تبدیل به پارک عمومی شده و سازه‌های جدید روی آن بنا گشته است.

سازه‌آبی مرمروز

در هرسین، سازه‌ای سنگی و پرابهام وجود دارد که مردم محلی آن را «ساعت آبی» می‌نامند. هنوز پژوهش دقیقی درباره عملکرد آن صورت نگرفته، اما احتمال می‌رود کارکردی در تقسیم و اندازه‌گیری آب داشته باشد. در میانه این سازه، نقش برجسته‌ای از گل نیلوفر جکاری شده است؛ نمادی از پاکی، روشنایی و شاید زمان — گواهی از پیوند انسان با طبیعت و جریان زندگی.

از دوران اسلامی نیز، محوطه‌ای به نام تپه سعدوند علیا در هرسین برجای مانده است.

آثار به‌دست‌آمده از این تپه، ویژگی‌های منحصر به فردی در مقایسه با دیگر محوطه‌های اسلامی ایران دارند و جلوه‌ای تازه از هنر و معماری این دوره را به نمایش می‌گذارند.

دو اثر ثبت‌شده جهانی

هرسین تنها شهرستان استان است که دارای دو اثر ثبت جهانی در فهرست میراث جهانی یونسکو است. این دو اثر شامل، کتیبه بیستون (به همراه عرصه و کاروانسرایش) و کاروانسرای صفوی بیستون هستند. کاروانسرای بیستون در پرونده جامع کاروانسراهای ایرانی مجدداً در فهرست جهانی ثبت شده است.

صنایع دستی با نشان جهانی

«گلیم هرسین» یکی از شاخص‌ترین دست‌بافته‌های ایران است که موفق به دریافت «نشان جغرافیایی تاریخی کم‌تغییر» یکی از گنجینه‌های زنده میراث فرهنگی ایران است. حفاظت، مستندسازی و معرفی دقیق‌تر این منطقه، ضرورتی ملی است که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

بخشی از هویت شهر است.

در مسیر باغ‌های هرسین حدود چهار تا پنج نهر اصلی جریان دارد که نه تنها باغ‌ها را سیراب می‌کنند، بلکه به فضای گردشگری شهر نیز روح بخشدند. صدیقی می‌گوید: «مردم می‌توانند در مسیر همین نهرها قدم بزنند، از صدای جریان آب لذت ببرند و طبیعت را لمس کنند. این نهرها هم کارکرد کشاورزی دارند و هم زیبایی‌شناسی». او با اشاره به هوشمندی سازوکار سنتی تقسیم آب می‌گوید: «در گذشته، آب بر اساس سیستمی به نام ساعت آبی تقسیم می‌شده است. این ساعت بر پایه زمان خورشید و موقعیت سایه‌ها کار می‌کرده و به‌گونه‌ای طراحی شده بود که آب به‌طور عادلانه میان کشاورزان تقسیم شود. در واقع، این ساعت، عدالت را در دل جریان آب برقرار می‌کرد.» او مسیر دقیق حرکت آب را نیز تشریح می‌کند: «آب از سرچشمه یا همان سازه تاریخی که مردم محلی به آن «ساعت آبی» می‌گویند، در محدوده پارک شهر آغاز می‌شود، جایی درست پیش از ورود به خیابان. در همان نقطه، آب به پنج نهر تقسیم و از زیر شهر عبور می‌کند. این نهرها باغ‌های پایین‌دست را آبیاری کرده و در نهایت به زمین‌های کشاورزی می‌رسند.» این جریان، تنها به محدوده شهری محدود نمی‌ماند. صدیقی توضیح می‌دهد: «آب سراب پس از آبیاری باغ‌ها تا روستاهای پایین‌دست، حدود پنج تا هشت کیلومتر آن‌سوتر نیز ادامه می‌یابد. همین آب، علاوه بر کشاورزی، منبع اصلی تأمین آب شرب هرسین نیز هست.» صدیقی هرسین را نمونه‌ای زنده از تعامل تاریخی انسان و طبیعت می‌داند: «اینجا، آب فقط یک منبع نیست، بلکه یک میراث زنده و نظام مهندسی بومی است که قرن‌ها دوام آورده و هنوز نفس می‌کشد.»

حرف‌های او و خلیل‌پور که زیر سایه دارمنگوله تمام می‌شود، پا به پای نهرآب از سایه سبز درخت‌ها بیرون می‌زنیم. ده‌ها کلاغ روی زمین‌های کشاورزی موازی با باغ نشسته‌اند. اینجا نمی‌شنوی که کلاغ‌ها با باغ دارد. «آب در هرسین را فقط مایه حیات نمی‌داند و می‌گوید: «سیستم آبی شهر،



هرسین، باغ شهری که زیر سایه گردو نفس می‌کشد



است و تقریباً همه باغ‌ها از درختان مثمر تشکیل شده‌اند. هرسین سهم قابل توجهی در تولیدات باغی و زراعی استان دارد و در زمینه دامپروری نیز یکی از شهرستان‌های فعال است. او با اشاره به حضور پررنگ درخت گردو در منطقه می‌گوید: «شاید ما نتوانیم بگوییم باغ‌های ۱۰هکتاری گردو داریم، اما در عوض در هر زمین کوچکی یک درخت گردو هست. گردو با اقلیم هرسین سازگار است و در واقع می‌توان گفت اینجا، گردو کاشته شده تا بماند.» خلیل‌پور از رسانه‌ها استمداد می‌طلبد تا هرسین را به ایران معرفی کنند و می‌گوید: «با وجود این همه ظرفیت و آب‌وهوای بی‌نظیر، این شهر هنوز آن‌طور که باید شناخته نشده است.»

تقسیم عادلانه آب

حدیث صدیقی، متخصص سازه‌های آبی، به «ایران» می‌گوید: «در دل باغ شهر هرسین، جایی که آب و درخت همزیستی هزارساله‌ای دارند، هنوز سیستم آبیاری سنتی و تاریخی منطقه با دقت و نظم‌ی مثال‌زدنی جریان دارد.» او آب در هرسین را فقط مایه حیات نمی‌داند و می‌گوید: «سیستم آبی شهر،

رشته کوه‌های سبز و دشت‌های حاصلخیز کرمانشاه، توصیف می‌کند؛ شهری آرام و باغات زیبا که مردمش هنوز با طبیعت زندگی می‌کنند؛ شهری که به گفته خلیل‌پور، «پنجره خانه‌هایش رو به باغات باز می‌شود» و تمام شهرتش از همین باغ‌ها و زمین‌های سرسبز است.

او که یکی از دست‌اندرکاران جشنواره است. با نگاهی از سر دلسوزی و علاقه به طبیعت هرسین می‌گوید: «کمتر شهری در کشور پیدا می‌شود که چنین چشم‌انداز و جاذبه طبیعی‌ای داشته باشد. ما اینجا از دل آسفالت وارد زمین‌های کشاورزی می‌شویم و پیش رویمان منظره‌ای پر از درخت، سایه و زندگی است.» نخستین گام برای ثبت رسمی هرسین به‌عنوان «باغ‌شهر» را خانم دکتر ملیحه مهدی‌آبادی، کارشناس عالی مرمت و عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، از حدود دو سال پیش برداشته است. او با همکاری علیرضا ایبزدی، مدیرکل ثبت و حریم آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی کشور و همراهی کارشناسان میراث فرهنگی، طرح اولیه تشکیل پرونده ثبت هرسین به‌عنوان باغ‌شهر را ارائه کرده است. خلیل‌پور می‌گوید: «اکنون

وقتی گردوی شهر معروف باشد، داستان‌ها با کلاغ‌های شهری داری. یکی از دختران «هرسین» تعریف می‌کند که هر روز صبح با صدای گردو شکستن کلاغی از خواب بیدار می‌شود. کلاغ گردو را از بالا روی یک دیوار فلزی می‌اندازد تا به زمین برسد و بشکند. گردوها با یکبار رها کردن نمی‌شکنند. کلاغ آن‌قدر این کار را ادامه می‌دهد تا گردو کوتاه بیاید و بشکند. او می‌گوید روزهای تعطیلی هم با صدای غلت خوردن گردو روی دیواره فلزی خانه‌شان ساعت ۶ صبح بیدار می‌شود و دلش می‌خواهد سرش را به دیوار بکوبد، زیرا هیچ کاری با کلاغ نمی‌تواند بکند. یکی از مردان شهر هم می‌گوید در بچگی حداقل ۵۰ گردو را از منقار کلاغ‌های شهر قاپیده است. گردوهایی که کلاغ‌ها از درخت می‌چینند، از بلندی روی آسفالت و سنگ و صخره‌ها می‌اندازد تا بشکند اما بچه‌ها پیش از آنکه کلاغ‌ها به گردوهای حاضر و آماده برسند، آنها را می‌قاپند و نوش جان می‌کنند.

هرسین، هنوز یک باغ شهر است

گردو تنها میوه و درخت هرسین نیست. ساخت وسازه‌ها و بلندمرتبه‌سازی زحم عمیقی به شهر هرسین زده اما هنوز هم می‌توان با اطمینان از این شهر به یک باغ‌شهر سبز یاد کرد؛ باغ‌شهری که هنوز صدای خروس‌هایش آدم‌ها را از خواب بیدار می‌کند و به دنبال زندگی می‌فرستد. شهری که گردو را دانه‌ای می‌فروشد. راستی شما تا الان مسافر شهری شده‌اید که گردو را دانه‌ای بفروشند؟ دانه‌ای بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان. هرسین می‌تواند یک مقصد خاطره‌ساز باشد. حتماً شهروندی برای شما تعریف می‌کند که به چشم خودش دیده است که کلاغی، سنگی را برداشته و روی یک گردو انداخته است تا گردو را بشکند و بخورد. شهرهای دیگر را نمی‌دانم، ولی در هرسین شما کلاغ‌ها را دوست خواهید داشت، چون جدال گردوچینی بین آنها و بچه‌های شهر، حتماً لبخند را روی لب شما می‌نشان.

پنجره‌های رو به باغ

احسان خلیل‌پور، کارشناس کشاورزی و فعال فرهنگی، هرسین را شهری در میان